بسم الله الرحمن الرحيم

١٣٢٥٥

دانشگاه شاهد

دانشکده هنر

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشتهٔ نقاشی

عنوان پایان‌نامه

بررسی محتوایی دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب اسلامی

استادراهنما

جناب آقای کاظم چلیپا

عنوان پروژه عملی

انسان معاصر

استاد مشاور

جناب آقای محسن مراثی

نام دانشجو

شیوا نوروزی

۱۳۸۸/۱۲/۱۰

خدمات مدارک علمی پردیس

ماه و سال

شهریور ۱۳۸۷

۱۳۲۵۵۵

دانشگاه شاهد
دانشکده هنر

به نام خدا

تمامی حقوق مادی و معنوی این پایان نامه تحصیلی متعلق به دانشگاه شاهد است و هر گونه نقل مطالب با ذکر نام دانشگاه شاهد، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است. دانشجویان در صورتی می توانند نسبت به چاپ مقالهٔ مستخرج ازپایان نامهٔ خود اقدام کنند که مقاله مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته باشد. همچنین به هنگام چاپ مقاله ذکر نام استاد راهنما ضروری است. عدم رعایت موارد فوق موجب پیگرد قانونی است.

« معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی»

تاریخ ۸۷/۹/۱۱
شماره ۱۵۹/ن
پیوست

دانشگاه شاهد
دانشکده هنر

صورتجلسه دفاع

رساله نظری : **بررسی محتوایی دو سالانه های نقاشی بعد از انقلاب اسلامی**
پروژه عملی: **انسان معاصر**

مربوط به خانم/ آقا **شیوا نوروزی** **رشته نقاشی در تاریخ** **۸۷/۷/۹** برگزار و نمره

رساله ۱۷/۴۰ ،پروژه عملی ۱۶/۲۰ و میانگین آن به عدد ۱۶/۶۸

و به حروف شانزده و شصت و هشت صدم اعلام می گردد.

اعضای هیات داوران

۱- آقای کاظم چلیپا امضاء

۲- آقای مرتضی افشاری امضاء

۳- آقای مرتضی حیدری امضاء

۴- آقای محسن مراثی امضاء

۵- آقای علی اصغر شیرازی امضاء

مدیر گروه رشته

نام و نام خانوادگی: امضاء:

۸۷/۹/۱۱

دانشکده هنر دانشگاه شاهد

چکیده پایان‌نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است

عنوان پایان‌نامه: بررسی محتوایی دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب اسلامی

استاد راهنما: جناب آقای کاظم چلیپا

استاد مشاور: جناب آقای محسن مراثی

نام دانشجو:شیوا نوروزی

شماره دانشجویی: ۸٤۷٤۹٥۰۰۲

رشته: نقاشی

چکیده:

جهت بررسی محتوا در آثار به نمایش درآمده در نمایشگاه های دوسالانه نقاشی بعد از انقلاب اسلامی، آثار چاپ شده این نمایشگاه ها به عنوان جامعه آماری برگزیده شد. پس از ذکر اطلاعاتی پیرامون دوسالانه های برگزار شده و عوامل مؤثر در شکل گیری و پیشبرد آنها، آثار این دوسالانه ها در دو گروه نمایشی و غیر نمایشی مورد بررسی قرار گرفتند.در این راستا به جدول آماری دست یافته شد، که نشان می داد بیشترین آمار را در سه دوسالانه اول، آثار نمایشی و در دو دوسالانه آخر آثار غیر نمایشی به خود اختصاص داده اند. آثار هنرمندان ایرانی در سه دوسالانه اول (آثار دوسالانه چهارم به چاپ نرسیده است)،بیشتر آثار موضوعی هستند که به محتوای مشخصی اشاره دارند و آثار دوسالانه های پنجم و ششم بیشتر آثار آبستره و بدون موضوع هستند.همچنین میزان و چگونگی توجه هنرمندان به موضوعات و محتواهای مختلف در طی دوسالانه ها مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی :

محتوا، دوسالانه، نقاشی، انقلاب اسلامی

نظر استاد راهنما:

برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.

تاریخ

امضاء

فهرست مطالب :

پیشگفتار

مقدمه ۱

فصل اول : دوسالانه های نقاشی تهران ۵

۱-۱ نمایشگاهها و دوسالانه های نقاشی تهران قبل از انقلاب اسلامی ٦

۱-۲ دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب(نخستین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران) ۱۲

۱-۳ دومین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران ۲۰

۱-٤ سومین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران ۲۸

۱-۵ چهارمین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران ۳۵

۱-٦ پنجمین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران ۳۸

۱-۷ ششمین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران ٤۳

فصل دوم : تعاریف مفاهیم و اصطلاحات ٤۹

۲-۱ تعریف محتوا و واژگان مرتبط با آن ۵۰

۲-۲ نقد معنایی و محتوایی ۵٤

۲-۳ بحثهایی در فرم و محتوا در نقاشی ۵۹

فصل سوم : عوامل مؤثر بر دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب ٦۱

۳-۱ تحولات هنر نقاشی بعد از انقلاب اسلامی ٦۲

۳-۲ ویژگیهای هنرهای تجسمی کشور در سالهای بعد از انقلاب ٦٦

۳-۳ تبلیغ هویت گرایی در حاشیه دوسالانه ها ۷۱

۳-٤ نقش داوری دوسالانه ها ۷٥

۳-٥ برنامه ها و سیاست گذاریهای آموزشی ۷۹

فصل چهارم : تحلیل و بررسی برخی آثار ۸٦

نتیجه گیری ۱۳٦

پیشگفتار

تحقیق حاضر به بررسی محتوا در دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب می پردازد. انگیزهٔ این نوشتار از آنجا به ذهن نگارنده رسید که در دوران معاصر و با رواج مدرنیسم در ایران به گونه ای با کم توجهی با مقولهٔ محتوا وتأکید بر شکل آثار هنری روبرو هستیم.

البته این در حالی است که عرصهٔ هنر همواره بستر مناسبی برای حساسترین و هوشمندترین مردمان هر زمانه ای بوده است تا عصارهٔ احساس، اندیشه و روح زمانهٔ خود را به زیباترین وجه ممکن تبدیل به اثری ماندگار کنند.

هنرمند در اثر مواجه با دنیای پیرامون خود، زمین و آسمانی که او را فرا گرفته، مردمانی که روزگار را با آنان سپری می‌کند، حوادثی که سرنوشتش را رقم می‌زند، عقایدی که روح و جانش را به آن می‌سپارد و آن عالم خیالی و رویایی که گاه تنها پناهگاه اوست ،اثر خود را خلق می‌کند.

روح جستجوگر انسان در پی یافتن رازهای زندگی، هنر را یکی از برترین راهها یافته است و در این راستا به تجربیات گوناگونی در طول تاریخ دست زده است. گاه دغدغهٔ خاطر هنرمندان مضمون خاصی بوده که بارها به شکلهای مختلف به آن پرداخته اند و گاه مطالعه و بازی با شکل ،ذهن او را به خود مشغول داشته است. در مجموع می‌توان گفت در برخورد با آثار هنری با دو مسأله شکل و محتوا روبرو هستیم.

آنچه این نوشتار در پی آن است مسأله محتوا و نگاهی به اندیشه درون آثار هنری است. توجه به محتوای آثار هنری ما را با دنیای اندیشه ها، آمال و آرزوها و چگونه زیستن انسانها آشنامی‌سازد. چنانکه جلیل ضیاءپور می‌گوید: «هنرمندان، معرف زندگانی و طرز تفکر روز جامعهٔ خود می‌باشد، هر ملتی در هر عصری دارای هنرمندان معینی است. همچنانکه فردوسی معرف روحیات زمانه خود بوده است، حافظ و سعدی هم نمایندهٔ زمانهٔ خود می‌باشند. کمال الدین بهزاد و رضا عباسی هم هنرمندان عصر خود بوده اند و زندگانی دوران خودشان را معرفی کرده اند. هر تابلوی بهزاد رنگ آمیزی و وضع زندگانی و پوشش و سلیقهٔ دوران بهزاد را معرفی می‌کند، همچنانکه

نصایح و لطایف سعدی چگونگی آداب و معاشرت دوران او را نشان می‌دهد. پس هر هنرمندی طبعاً نمایندهٔ روش زندگانی دوران خودش است. از چیزهاییکه متأثر می‌شود اثر را به وجود می‌آورد. »[1]

در تحقیق حاضر کوشیده شده است تا محتوای نقاشی معاصر ایران از خلال آثار چاپ شده دوسالانه های نقاشی برگزار شده پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

با تشکر از اساتید محترم آقای چلیپا و آقای مراثی که با راهنمایی های ارزنده شان مرا در تدوین این پایان نامه یاری نمودند.

۱- شهین صابر تهرانی، مجموعه سخنرانیهای هنری تحقیقی زنده یاد استاد جلیل ضیاء پور،چاپ اول،موزه هنرهای معاصر وموسسه هنر های تجسمی و جهاد دانشگاهی هنر، تهران، ۱۳۸۲،ص ۹۵

مقدمه

پژوهش حاضر سعی در بررسی محتوای نقاشی معاصر ایران با توجه به دوسالانه های نقاشی برگزار شده بعد از انقلاب اسلامی دارد. دوسالانه های نقاشی یکی از مهمترین نمایشگاه های برگزار شده در کشور می باشد و نماینده آخرین تحولات هنری آن است. در اینجا با تحلیل و بررسی شش دوسالانه نقاشی برگزار شده بعد از انقلاب اسلامی و آثار به نمایش درآمده در آنها سعی در شناخت محتوای نقاشی ایران در طی سالهای پس از انقلاب و روند تغییر و تحول آن داریم.

تحقیق حاضر در پنج فصل شکل گرفته است، در فصل اول به تعاریف مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته درمتن می پردازد. تعاریف مربوط به محتوا و واژه های مرتبط با آن آورده شده و همچنین به برخی بحثهایی که پیرامون محتوا شکل می گیرد همچون محتوا در هنر واقع گراو ذهنیت گرا ، محتوا در هنر فیگوراتیو و آبستره و وابستگی فرم و محتوا اشاره می شود. فصل دوم به بررسی محتوا در دوره های مختلف تاریخی در ایران می پردازد و بررسی مختصری بر سیر تحول آن را از دیر باز تا تحولات اخیر صورت می گیرد.در فصل سوم اطلاعاتی پیرامون دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب همچون بیانیه های دوسالانه ها سیاستهای برگزاری آنها و مسائل حاشیه ای آنها ارائه شده است.

در فصل چهارم بحثهایی پیرامون نقاشی معاصر ایران و وضعیت هنرهای تجسمی کشور مطرح می شود و به مسائل و دغدغه های هنرمندان و عوامل موثر بر روند شکل گیری هنرها ی تجسمی در سالهای اخیر اشاره می شود. در فصل پنجم به تحلیل و بررسی تعدای از آثار دو سالانه ها در دو گروه نمایشی و غیر نمایشی پرداخته می شود .آثار نمایشی در شش گروه موضوعی بررسی می شوند که از هر موضوع دو اثر به شکل تصادفی انتخاب می شود و مورد بررسی قرار می گیرد . درصد آثاری که به هر موضوع پرداخته شده است، آورده می شود . در گروه غیر نمایشی نیز از هر دوسالانه دو اثر مورد بررسی قرار می گیرد که یکی آبستره و دیگری آبستره با گرایش سنتی می باشد.

و در نتیجه گیری با مقایسه آمار و ارقام بدست آمده و بحثهای مطرح شده نتیجه گیری حاصل می شود.

تعریف مساله و سوالهای اصلی تحقیق:

هنرمند نقاش در پی بیان اندیشه و احساس خود از طریق اثر خود بوده است و در این راستا از ابزار و مصالح مختلف استفاده کرده و به سبکها و شیوه های گوناگون روی آورده است.

جوهره ی اندیشه و احساس هنرمند، که از طریق اثرش نمایانده می شود را محتوای اثر می نامیم. در پی بررسی محتوای نقاشی ایران در طی سالهای بعد از انقلاب اسلامی، نمایشگاه های دوسالانه به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است، چرا که تقریباً مهمترین رخداد هنری رسمی در بخش هنر های تجسمی کشور محسوب می شود که طی آن هنرمندان و نقاشان ایرانی در داخل و خارج از کشور با نمایش آثار نقاشی، تجربیات تازه و خلاقیت هنری خود را در معرض دید و قضاوت عموم قرار می دهند.

سوالهای اصلی تحقیق:

- آیا گرایش به گونه ای محتوای خاص در نقاشی های دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی وجود دارد؟
- آیا آثار نقاشان در دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی تحت تأثیر جریانهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است؟
- کدام جریانها تأثیر محتوایی بیشتری بر نقاشیهای دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی داشته است؟

پیشینه و ضرورت انجام تحقیق:

- شناخت هویت فرهنگی و هنری از آثار بی ینال ۷۰ و ۷۲ تهران، مرتضی منصف، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، ۷۳-۷٤
- تجزیه و تحلیل بی ینالهای اول و دوم موزه هنرهای معاصر، خدیجه حاجیلو، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷٤

- بررسی دومین دوسالانه نقاشی ایرانی، محمد علی رجبی بادی، دانشگاه شاهد،۱۳۷۵

در پایان نامه های فوق بررسیهای انجام شده بیشتر متوجه فرم و گرایشهای هنرمندان به سبکها و شیوه های گوناگون بوده و بررسی بر روی مساله محتوا که درون مایه و ذهنیت هنرمندان را تشکیل می دهد انجام نشده است. در ضمن این بررسیها تنها بر روی دو بی ینال اول صورت گرفته در حالیکه تا کنون شش بی ینال برگزار شده است.

فرضیه ها:

- اندیشه های معنوی، مضامین عرفانی و سنت گرایی محتوای غالب نقاشیها در دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی هستند.
- جریانهای اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی بر محتوای آثار نقاشان در دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی تأثیر داشته اند.
- انقلاب اسلامی و اندیشه های معنوی آن و حادثه جنگ تحمیلی و مضامین مربوط به آن مانند شهدا و خانواده های آنان بر محتوای نقاشیهای دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی تأثیر داشته اند.

هدفها:

- بررسی محتوای غالب در نقاشی های دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی و تقسیم بندی آنها
- بررسی عوامل موثر برمحتوای نقاشی های دوسالانه های بعد از انقلاب اسلامی

نتایج اصلی تحقیق حاضر، چه کاربردهایی خواهد داشت؟

تحلیل جریانهای هنری، ارزیابی نظام آموزشی دانشکده های هنری و ارزیابی فعالیتهای برگزارکنندگان دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب اسلامی

روش انجام تحقیق و روش گرد آوری اطلاعات و ابزار آن:

روش انجام تحقیق: توصیفی- تحلیل محتوا

ابزار گردآوری اطلاعات: مراجعه به کتابخانه و مطالعه کتابهای مربوط و فیش برداری و مصاحبه با اساتید فن و مدرسین (میدانی).

معرفی جامعه آماری ،روش نمونه گیری و تعداد نمونه:

جامعه آماری: آثار شش دوسالانه که در کتابها چاپ شده است.

تعداد نمونه و روش نمونه گیری: کلیه آثار چاپ شده دوسالانه های نقاشی بعد از انقلاب

روش نمونه گیری: تصادفی

نمونه گیری به روش تصادفی انجام شده است و آثاری با کیفیتهای مختلف که به دوسالانه ها را پیدا کرده اند مورد بررسی قرار گرفته اند تا نمایی کلی و واقعی از دوسالانه ها به تصویر در آید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

تجزیه و تحلیل، طبقه بندی، ارزیابی و مقایسه و تطبیق آثار به روش کیفی- تحلیلی انجام خواهد شد.

فصل اول

دوسالانه های نقاشی تهران

نمایشگاهها و دوسالانه های نقاشی تهران قبل از انقلاب اسلامی :

"در دورهٔ نو یا معاصر نقاشی ایران از ۱۳۱۹ تا ۱۳۸۲ علاوه بر نمایشگاههای فراوانی که در مراکز و انجمنهای مختلف فرهنگی - هنری ایرانی و خارجی در تهران برگزار شد، چندین نمایشگاه جمعی بزرگ به ویژه در قالب بی ینالهای نقاشی در تهران در معرض دید عموم قرار گرفتند که چون به نوعی معرف معدلی کلی از وضعیت نقاشی در ایران می‌باشند، بررسی و مقایسهٔ آنها می‌تواند تصویر نسبتاً روشنی ارائه دهد."[۱]

"اولین بی ینال نقاشی و مجسمه سازی در تهران در سال ۱۳۳۷ تشکیل شد. سپس به ترتیب در سالهای ۱۳۳۹، ۱۳٤۱، ۱۳٤۳ و ۱۳٤٥ چهار بی ینال دیگر در تهران برگزار شد. از سال ۱۳٤٥ که پنجمین بی ینال نقاشی قبل از انقلاب به شمار می‌آید تا سال ۱۳۷۰ بی ینال دیگری تشکیل نشد، اما از این سال مجدداً فعالیت نمایشگاهی در قالب بی ینالهای بزرگ ادامه یافت. شایان ذکر است که تمامی این بی ینالها و نمایشگاههای بزرگ در تهران برگزار شد.

اولین بی ینال نقاشی و مجسمه سازی ایران ۱۳۳۷

در ۲۵ فروردین ۱۳۳۷ نخستین بی ینال ایران را ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور در کاخ "ابیض" در تهران برپا کرد. شش ماه قبل از برگزاری این نمایشگاه دوسالانه، انگیزه برپایی آن ضمن ایجاد رقابت میان نقاشان و مجسمه سازان کشور و حضور در عرصهٔ جهانی، به معرض قضاوت و داوری قرار دادن آثار هنرمندان ایرانی برای هموار کردن راه توسعه و پیشرفت هنرهای ملی نقاشی، مجسمه سازی و طراحی و همچنین برعهده گرفتن سهمی مؤثر در "بی ینال جهانی ونیز ایتالیا" اعلام شده بود. در این بی ینال بیشتر آثار، نقاشی بودند و به جز آثار تعدادی هنرمند به ویژه آثار چنگیز شهوق و پرویز تناولی، اصولاً مجسمه جای چندانی

۱- مرتضی گودرزی، تاریخ نقاشی ایران،چاپ اول، انتشارات سمت، تهران،۱۳۸٤،ص ۱۹۳

نداشت. سه داور خارجی و دو داور ایرانی آثار این بی ینال را قضاوت کردند که از آن میان، ۱٤ اثر را برای شرکت در بی ینال ونیز انتخاب کردند."[۱]

"با اینکه بی ینال ۱۳۳۷ تهران، اولی نمایشگاه رسمی با معیار اصلی نفی طبیعت گرایی و ارائه شیوه شخصی بود، در عین حال مارکو گریگوریان به عنوان یکی از سیاست گذاران اصلی این حرکت ضمن اشاره به وجود هزاران نقش بدیع در زیر آسمان آبی، آفتاب درخشان و هنر و فرهنگ ایران برای مشغول کردن خاطر نقاشان می‌نویسد: "باید هنر ملی خود را خوب بشناسیم و آن را از ابتذال دور داریم، آن گاه راه را برای یک مکتب اصیل هنرهای تصویری هموار سازیم و موجبات رشد و نمو آن را فراهم آوریم و در جهت کمال هدایت کنیم". بنابراین توجه به سنتهای قومی و ملی از همین زمان به صورت چشم اندازی مهم آرام آرام در قالب موجی فراگیر خودنمایی خود را در میان نقاشان ایرانی آغاز کرد."[۲]

دومین بی ینال تهران، ۱۳۳۹

"در آبان ماه سال ۱۳۳۸ مجلهٔ سخن در خبری که دربارهٔ بی ینال دوم تهران ارائه کرد از قول برگزارکنندگان آن "شناسایی سطح ترقی نقاشی و مجسمه سازی ایران به منظور ارائه آثار برگزیدهٔ آن به بی ینال جهانی ونیز و در نتیجه راه یابی به عرصه های جهانی" را یکی از اهداف مهم برگزاری این بی ینال برشمرد. با این زمینه دومین بی ینال تهران در ۲۸ فروردین ۱۳۳۹ در کاخ ابیض تهران افتتاح شد. این نمایشگاه که به همت ادارهٔ هنرهای زیبای کشور و به دبیری دکتر "اکبر تجویدی" برگزار شد، مجالی برای عرضهٔ آثار هنرمندان جوانی بود که تحولات نقاشی معاصر ایران را مورد توجه قرار داده بودند.

مقدمهٔ کاتالوگ بی ینال ضمن ارج نهادن به ادراک اصیل و بینش تازه نسبت به غفلت از اغراق به انگاره دستیابی صحیح و تلفیق میان سنت و مدرنیسم در عرصهٔ نقاشی به گنجانیدن روح و مایهٔ هنر سنتی و گذشته ایرانی در آثار نقاشان نوگرا اذعان کرده بود. همچنین

۱- مرتضی گودرزی، تاریخ نقاشی ایران، ص ۱۹۵

۲- همان، ص ۱۹۷

نسبت به پرداخت فرم و توجه افراطی به خطوط شکسته و نقوش به هم ریخته تذکر داده بود."[1]

"از آنجا که قضاوت و داوری آثار در بی ینالها و نمایشگاهها نمی‌توانست منشأ نگرانیهایی برای هنرمندان باشد علاوه بر هفت نفر داور ایرانی، "کورت مارتین" مدیر کل موزه های استان باوی یر مونیخ آلمان، "چینو باچتی" بازرس کل اداره هنرهای زیبا و رئیس ادارهٔ هنرهای معاصر و نمایشگاههای هنرهای زیبای رم ایتالیا، "جورج پیلمنت" نایب رئیس سندیکای مطبوعات هنری فرانسه و "فرانک الگار" مدیر جمعیت دوستداران هنر پاریس قضاوت آثار را برعهده داشتند. در میان آثار ارائه شده تعدادی از نقاشیهای سهراب سپهری، چند مجسمه از پرویز تناولی و تعدادی از نقاشیهای محسن وزیری مقدم برای شرکت در بی ینال ونیز انتخاب شدند.

چهرهٔ کلی بی ینال دوم تهران از دو جنبهٔ هویت گرایی و جستجوی هنری ملی از یک سو و تمایل به نقاشی آبستره از سوی دیگر قابل تأمل بود که پیش تر از این بی ینال، نشانه هایی محدود از آن در آثار هنرمندان ایرانی دیده شده بود. در مورد اول، بهره گیری از موتیفهای سنتی و مذهبی و نقوش تزئینی ایرانی به ظهور جریان سقاخانه انجامید. سالها بعد، این تمایل به مدرنیزه کردن سنت، در آثار هنرمندان شرکت کننده در بی ینال چهارم مشاهده شد."[2]

سومین بی ینال تهران، ۱۳٤۱

"بی ینال سوم تهران، همچون بی ینال دوم به دبیری دکتر اکبر تجویدی و در بهار ۱۳٤۱ در کاخ ابیض تهران برگزار شد. در مقدمهٔ کاتالوگی که برای این بی ینال منتشر شد، آشکار ساختن سیمای هنر نقاشان و مجسمه سازان و برانگیختن تأمل خود آنها و همچنین هدایت هنر معاصر به طرف انتخاب راهی ملی و ایرانی به عنوان اهداف برگزاری آن ذکر شده بود. جالب اینکه برگزارکنندگان در این مقدمه اشاره کرده بودند که دو بی ینال گذشتهٔ تهران

۱- مرتضی گودرزی، تاریخ نقاشی ایران، ص ۱۹۸

۲- همان، ص ۲۰۰

نشان داد که آشفتگی فکر و پیروی از پسند غربیان در هنر معاصر ما سهمی بزرگ دارد، در صورتی که طبع هنرمند ایرانی و مقتضیات جامعه کنونی او، شیوه ای ملی و مستقل را طلب می‌کند. شاید انگیزه این تأکید بر شیوه ای بومی و سنتی، تحسین و توجه برخی از منتقدان مطرح اروپایی پس از رؤیت نمونه های آثار هنرمندان ایرانی بود که به پاریس ارسال شده بود.

بنابراین در حالی که در مقدمهٔ کاتالوگ بی ینال نسبت به هرگونه تقلید کورکورانه از غرب هشدار داده شده بود و حتی یکی از اهداف آن "ترویج هنری ملی" عنوان گردیده بود، اما از اینکه در این راه تأیید غرب را هم می‌طلبید جای تأمل بسیار داشت.

هنرمندان نقاش در این بی ینال، نسبت به بی ینال قبلی، به صورت گسترده تری شرکت کرده بودند و علی رغم حضور تمایلات سنتی در آن، آثار آبستره بیش از گرایشهای دیگر خود رانشان می‌داد. هیئت داوران بی ینال سوم را دو نفر ایرانی و چهار نفر خارجی تشکیل می‌داد. این امر به دلیل اینکه احتمالاً سلیقه های غیرایرانی را بر قضاوتهای داوران تحمیل می‌کرد مورد اعتراضاتی نیز واقع شد."[1]

چهارمین بی ینال تهران، ۱۳۴۳

"در دو ماه اول سال ۱۳۴۳، بی ینال چهارم تهران همچون بی ینال سوم در کاخ ابیض تهران برگزار شد. در مقدمهٔ گزارش گونهٔ کاتالوگ این بی ینال نیز ضمن اشاره به سه بی ینال قبلی، به افزایش تعداد نقاشان متمایل به شیوهٔ آبستره از سومین بی ینال تا بی ینال چهارم اشاره شده بود. همچنین در همین مقدمه چنین توضیح داده شده بود: "صورت هنر معاصر ایران اندک اندک، شباهت خود را با جهان واقع از دست می‌دهد و به الهام شیوهٔ آبستره می‌گراید." در این بی ینال قبل از داوری که به وسیله هیأت خاصی انجام گرفت، انتخاب اولیه ای از سوی شورایی از صاحب نظران ایرانی برای راه یابی آثار هنرمندان به بی ینال تشکیل شد. هیئت داوران این بی ینال را نیز ۵ نفر خارجی از جمله رئیس سندیکای حرفه ای منتقدان هنری فرانسه و کمیسر فرانسه در بی ینال جهانی ونیز و ۲ نفر ایرانی تشکیل می‌دادند. این

۱- مرتضی گودرزی تاریخ نقاشی ایران، ص ۲۰۰ و ۲۰۱

غلبهٔ تعداد داوران خارجی بر داوران ایرانی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. ادارهٔ هنرهای زیبای کشور وظیفه برگزاری چهارمین بی ینال تهران را بر عهده داشت."[1]

"در بی ینال چهارم تهران با توجه به این که حمایت از گرایشهای نوگرای نقاشی معاصر مجالی برای ارائه آثار هنرمندان جوان و به اصطلاح تازه وارد فراهم کرده بود و پیشکسوتان از اینکه آثارشان در کنار آثار جوانان قرار گیرد ناراحت بودند، بنابراین شورای بی ینال از این دسته از هنرمندان به عنوان "مدعو" و خارج از مسابقه دعوت کرد و محدودیت ارائه تعداد آثار را، که برای دیگر هنرمندان حداکثر ۳ اثر بود، برای آنان برداشت.

آنچه به عنوان یک جمع بندی در مورد بی ینال چهارم تهران می‌توان گفت از یک طرف گرایش وسیع نقاشان نوپرداز کشور به طرف نقاشی آبستره و از طرف دیگر گستردگی و حضور اکثر نقاشان فعال و همچنین کیفیت آثار بود. هر چند باید اضافه کرد که در این بی ینال نیز همچنان آثاری با الهام از آثار کهن و گذشته ایرانی همچون نقاشیهای دورهٔ صفویه و قاجار و حتی با بهره گیری از نقوش تذهیب و کاشیکاری به عنوان نمادی از گرایشهای سنتی در نقاشی معاصر ایران ارائه شده بود."[2]

پنجمین بی ینال تهران، ۱۳٤٥

"بی ینال پنجم تهران با دو ماه تأخیر نسبت به بی ینال پیشین در ۳۱ خرداد ماده سال ۱۳٤٥ و این بار به جای کاخ ابیض در موزهٔ مردم شناسی برگزار شد و نام آن نیز به دلیل شرکت تعدادی از هنرمندان ترکیه و پاکستان به "بی ینال منطقه ای تهران" تغییر کرد. این مسئله پاسخ به آرزویی بود که در بی ینالهای قبلی، به ویژه بی ینال چهارم، مبنی بر آسیایی شدن آن مطرح شده بود. بی ینال پنجم را وزارت فرهنگ و هنر ایران برگزار کرد و در این کار از همکاری تشکیلات R.C.D وابسته به پیمان سیاسی - نظامی "سنتو" بهره گرفت. کاتالوگ بی ینال نیز که قبلاً به دو زبان فارسی و فرانسه چاپ می‌شد، به زبان فارسی و انگلیسی منتشر گردید. تعدادی "آفیش" نیز تبلیغات بی ینال را تکمیل می‌کرد. همچنین تعداد اعضای هیئت

۱- مرتضی گودرزی، تاریخ نقاشی ایران، ص ۲۰٤

۲- همان ص ۲۰٦

داوران بی ینال به ۱۱ نفر رسید، هر چند همچنان تعداد داوران خارجی بیش از داوران ایرانی بود.

بی ینال پنجم تهران نه تنها نسبت به بی ینالهای قبلی تهران ۲ ماه دیرتر، بلکه ۳ روز پس از گشایش بی ینال تهران نتوانند به بی ینال ونیز راه یابند، اما پیش تر، آثار سه نفر از نقاشان ایرانی، یعنی حسین کاظمی، پرویز تناولی و کامران کاتوزیان برای شرکت در بی ینال ونیز به ایتالیا ارسال شده بود. کیفیت آثار این سه نقاش به ویژه "نارسایی و ضعف" آثار کامران کاتوزیان مورد انتقاد برخی قرار گرفت.

انتقادات دربارهٔ بی ینال پنجم تهران در این مورد خلاصه نمی‌شد، بلکه دعوت خصوصی از ۳۵ نقاش به جای اعلان عمومی به ویژه در زمان تعیین شده ای به مدت ۳ روز! و کثرت آثار هنرمندان خارجی نسبت به آثار هنرمندان ایرانی از جمله مواردی بود که مورد اعتراض قرار گرفت. زیرا از نظر منتقدان، مسائل مذکور موجب یأس نقاشان جوان و با استعداد ایرانی می‌شد. در چنین فضایی این تصمیمی برگزارکنندگان بی ینال موجبات دلسردی بسیاری از هنرمندان جوان را فراهم آورد.

پنجمین بی ینال تهران، نخستین تلاش ایران برای تشکیل بی ینال آسیایی یا حتی چنان که برگزارکنندگان بی ینال تهران قبلاً به آن اشاره کرده بودند "جهانی" بود."[۱]

۱- مرتضی گودرزی،تاریخ نقاشی ایران، ص ۲۰۶ و ص ۲۰۷ و ص ۲۰۸